

متن پرسش

استاد طاهرزاده در آثار خود در باب معرفت النفس فرموده اند که حیوانات قدرت تعقل ندارند؛ در داستان حضرت سلیمان در قرآن داریم که حیوانات داری فکر و تفکر بودند و حتی نظرات خودشان در مورد مسائل مختلف بیان می کردند نظیر حرف هایی که یک مورچه یا همد به حضرت سلیمان گفتند ؛ چطور این مطلب که حیوانات قوه تعقل ندارند با اون موارد مطرح شده در داستان زندگی حضرت سلیمان قابل جمع است؟ در کتاب انسان از تنگنای بدن تا فراخنای قرب الهی هم در ضمن نقل یک روایت گفته شده که بین انسان ها نسبت های تکوینی خاصی وجود دارد و برای مثال گفتید که اگر شخصی مرتکب قتل پدر خود شود عمر خودش هم کوتاه می شود؛ برای نمونه منتصر، پسر متوکل عباسی رو هم مثال زدین ولی در تاریخ شخصیت های زیادی داشتیم که مرتکب این عمل شدند و تا سال ها بعد از آن زندگی کردند، این مسئله رو چطور تحلیل و توجیه می کنید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- آن چه در مورد عدم تعقل حیوانات گفته می شود تعقل به معنای درک مفاهیم کلی است و یافتن قواعد عالم و این غیر از فهمی که آن مورچه یا همد داشتند ۲- در مورد کوتاهی عمر پسر متوکل، نظر ما به سخن امام هادی «علیه السلام» بود و جنبه ی تکوینی آن عمل. ولی فراموش نکنید که ممکن است عوامل دیگری در میان باشد که مانع تحقق آن جنبه ی تکوینی بشود. موفق باشید